





دانشگاه پیام نور
دانشکده ادبیات و علوم انسانی

پایان نامه:

برای دریافت مدرک کارشناسی ارشد

رشته: تاریخ ایران دوره اسلامی

گروه: تاریخ

عنوان پایان نامه:

سازمان اداری و نظامی سامانیان

تقی محسنی هماگرانی

استاد راهنما:

دکتر هوشنگ خسرویگی

استاد مشاور:

دکتر شهرام یوسفی فر

شهریور ۱۳۹۰

چکیده:

در اواسط قرن سوم، امرای سامانی توانستند حکومتی را پایه گذاری کنند که به عصر طلایی بعد از اسلام شهرت یافته است. آنان با بهره گیری از مشروعیت دینی، ملی و تساهل و تسامح مذهبی، بخارا پایتخت خویش را پایگاه فرهنگی و کعبه آمال دانش دوستان و دانشمندان زمان خویش ساختند و در کنار احیا و تداوم فرهنگ و تمدن ایران باستان و در پرتو اسلام، شعور و نگرش ایرانیان را رونق بخشیده و بدان جلوه عالمگیر دادند. آنان با تثبیت حاکمیت مرکزی و تقویت نظام های کشوری و همچنین دیوان سالاری نوین توانستند زمینه های لازم جهت گسترش فعالیتهای علمی و فرهنگی را مهیا سازند.

سامانیان پس از دوره ی امارت طاهریان و صفاریان، سازمان اداری خود را با اقتباس از تشکیلات اداری عباسیان - که آنان نیز خود از سازمان اداری ساسانیان الگو گرفته بودند - سامان دادند. با این حال موقعیت خاص ماوراءالنهر و سنت های اداری موجود در این منطقه که به میراث از ساسانیان باقی مانده بود، به سامانیان اجازه داد تا تشکیلات اداری تقریباً گسترده ای را در حکومت خود سامان دهند. حضور وزرای اندیشمند و پر توان نیز سهم مؤثری در این امر داشت.

سازمان اداری سامانیان پس از آنان، الگوی حکومت های بعدی آنان شد. از این جهت بررسی ابعاد مختلف این سازمان دارای اهمیت است.

در این پژوهش ضمن شناسایی منابع شکل گیری سازمان اداری سامانیان، ابعاد مختلف این تشکیلات در بخش های درگاه، دیوان، ایالات و سپاه مورد بررسی قرار گرفته است

واژگان کلیدی: سامانیان، بخارا، خلافت عباسی، دربار، درگاه، دیوان، سپاه، نظام اداری

فهرست مطالب

مقدمه ۱

فصل اول: ادبیات تحقیق

تعریف و تحدید موضوع (از نظر تاریخی و جغرافیایی).....	۴	۱-۱
بیان مسئله و اهمیت و ضرورت پژوهش.....	۵	۲-۱
اهداف و سؤالات پژوهش.....	۵	۳-۱
فرضیه پژوهش.....	۶	۴-۱
پیشینه پژوهش.....	۶	۵-۱
روش پژوهش.....	۷	۶-۱
شرح مشکلات پژوهش.....	۷	۷-۱
ارزیابی و بررسی منابع.....	۸	۸-۱
کتب تاریخ عمومی.....	۸	۱-۸-۱
کتب تاریخ سلسله ای.....	۱۹	۲-۸-۱
کتب تاریخ محلی.....	۲۲	۳-۸-۱
کتب جغرافیایی.....	۲۵	۴-۸-۱
آداب نامه‌ها و اندرزنامه‌ها.....	۲۹	۵-۸-۱
دیوان اشعار.....	۳۲	۶-۸-۱
کتب شرح حال مشاهیر و تذکره‌ها.....	۳۴	۷-۸-۱
سایر کتب.....	۳۶	۸-۸-۱
تحقیقات جدید.....	۳۸	۹-۸-۱

فصل دوم: حکومت سامانیان

۱-۲ ماوراءالنهر ۴۳

۵۱ ۲-۲ خاندان سامانی
۵۵ ۳-۲ حکومت سامانی از تشکیل تا اوج
۶۶ ۴-۲ حکومت سامانی در زوال و سقوط

فصل سوم: امیر و درگاه

۸۹ ۱-۳ القاب سامانیان
۹۱ ۲-۳ روابط با خلفا
۱۰۲ ۳-۳ کسب مشروعیت حکومت
۱۰۷ ۴-۳ خاندان سامانی و مسئله جانشینی
۱۱۵ ۵-۳ تشکیلات درگاه

فصل چهارم: دیوان و حکومت سامانیان

۱۳۱ ۱-۴ وزارت
۱۶۴ ۲-۴ دیوان در حکومت سامانی
۱۷۱ ۱-۲-۴ دیوان هزینه
۱۷۴ ۲-۲-۴ دیوان خراج
۱۷۹ ۳-۲-۴ دیوان رسایل
۱۸۱ ۴-۲-۴ دیوان صاحب شرط
۱۸۱ ۵-۲-۴ دیوان صاحب مؤید
۱۸۲ ۶-۲-۴ دیوان اشراف
۱۸۳ ۷-۲-۴ دیوان مملکه خاص
۱۸۴ ۸-۲-۴ دیوان احتساب
۱۸۶ ۹-۲-۴ دیوان اوقاف
۱۸۷ ۱۰-۲-۴ دیوان قضا
۱۹۱ ۱۱-۲-۴ دیوان عرض

۳-۴ نقابت ۱۹۲

۴-۴ نظام ایالات ۱۹۲

فصل پنجم: سپاه سامانیان

۱-۵ سازمان اداری و مالی سپاه (دیوان لشگر) ۱۹۹

۲-۵ درجات و مقامات نظامی ۲۰۶

۳-۵ ترکیب سپاه ۲۱۵

۴-۵ اسلحه و شیوه‌های جنگی ۲۲۰

۵-۵ نقش سپاه در سیاست ۲۲۶

نتیجه ۲۳۲

فهرست منابع: ۲۳۸

مقدمه

نه تن بودندز آل سامان مشهور
هریک به امارت خراسان مأمور
اسماعیلی واحمدی ونصری هم
دونوح ودوعبدالملک ودومنصور

حکومت سامانیان در زمره حکومت‌های متقارن تاریخ ایران قرار می‌گیرد. این حکومت بعد از دو قرن رکود ایرانیان در زمینه‌های سیاسی، نظامی، اداری و فرهنگی توانست با احیاء و تداوم فرهنگ و تمدن ایران باستان و با عنایت به مکتب اسلام، در دورترین فاصله از حاکمیت خلفای عرب عباسی و به دور از تعصب و یک سونگری، به بازسازی فرهنگ و ادب فارسی پردازد. رمز پویایی و جاودانگی روزگار آنان، در دستاوردهای بزرگ در زمینه‌های گوناگون علمی و جانبداری از فکر و اندیشه است. امرای سامانی با قبول ریاست و فرمان روحانی خلفای بغداد، مذهب سنت را پذیرفتند. به همین جهت در ماوراءالنهر و خراسان، طبقه روحانی و علمای دین همواره از آنان پشتیبانی می‌کردند. آنان با کسب مشروعیت در میان مردم، از توان بالقوه ایرانیان در ایجاد حکومتی متجانس و کاملاً ایرانی بهره بردند.

از یک حکومت بی ثبات و ناپایدار، هیچ گاه نمی‌توان انتظار رشد و پویایی در زمینه‌های علمی و فرهنگی و اداری و اقتصادی را داشت. اطلاق عصر طلایی ایران بعد از اسلام به این حکومت، در خور و زبیده آن است و در حقیقت تثبیت حاکمیت مرکزی و تقویت دیوان سالارانه توسط امرای سامانی و حمایت و جانبداری آنان از دانشمندان و عالمان زمان خویش، فرصت لازم را برای گسترش فعالیت‌های علمی و فرهنگی، آماده ساخت.

امرای سامانی با رساندن نسب خود به پادشاهان ساسانی و با بهره‌گیری از فره ایزدی، چنان پایگاهی نزد مردم یافتند که ایرانیان حمایت از امرای سامانی را بر خود واجب می‌دانستند و در مقابل نیز امیران سامانی بنابر شهادت غالب متون تاریخی به عدالت و خوش رفتاری و انصاف با رعیت برخورد می‌کردند. آنان نسبت به اهل علم با احترام رفتار می‌کردند؛ به طوری که علما و شعرا در دربار آنان وادار به زمین بوسی نمی‌شدند. افرادی چون ابونصر فارابی، ابوعلی سینا، ابوطیب نیشابوری، فردوسی، رودکی و دیگران محصول روزگار آنان هستند.

متأسفانه بررسی‌هایی که تاکنون در مورد سامانیان انجام شده است، غالباً جایگاه سیاسی این حکومت و نقش آن را مورد بررسی قرار داده است. در زمینه بررسی و شناخت این مقطع از تاریخ کشورمان، تحقیق گسترده و جامعی که اختصاصاً دربردارنده وضعیت اداری و نظامی و اجتماعی و فرهنگی حکومت سامانیان باشد، صورت نگرفته است. این تحقیق در زمینه سازمان اداری و نظامی این حکومت، متکی بر متون و منابع تاریخی معاصر و یا نزدیک به زمان رویداد است.

مباحث تحقیق حاضر در پنج فصل اصلی و متمایز از یکدیگر تبیین شده است. فصل نخست ادبیات تحقیق است که به بیان و اهمیت پژوهشی و فرضیه‌های پژوهشی می‌پردازد و همچنین به نقد و بررسی مهم ترین و اصلی ترین منابع تحقیق پرداخته شده است.

در فصل دوم: محدوده جغرافیایی ماوراءالنهر و سوابق تاریخی و جغرافیایی این منطقه قبل از اسلام تا زمان روی کارآمدن حکومت سامانیان بررسی شده است. همچنین سابقه خاندان سامانی و شکل گیری حکومت سامانیان و امرای سامانی در این بخش معرفی شده است.

فصل سوم به بررسی جایگاه دربارودرگاه درحکومت سامانیان اختصاص دارد. شناسایی مناصب مهم درگاه و شرح وظایف این مناصب، جایگاه امارت و رابطه ی امرای سامانی بادستگاه خلافت عباسی، ازجمله مباحث این فصل است.

فصل چهارم این تحقیق به بررسی دیوان سالاری سامانیان اختصاص دارد. دراین فصل به منصب وزارت و وزراء دربار سامانی پرداخته است و انواع دیوان و نظام دیوان سالاری حکومت سامانی را معرفی می‌کند. به مناصبی مانند قضاوت و نقابت نیز پرداخته شده است.

در فصل پنجم ضمن معرفی سپاه سامانیان، درجات و مقامات نظامی این حکومت را بررسی کرده و ترکیب عناصر سپاه و نوع سلاح و ترفندهای جنگی سامانیان را معرفی می‌کند.

درپایان برخود واجب می‌دانم که از زحمات استاد راهنمای گرانقدرجناب آقای دکتر هوشنگ خسروبیگی که در تمام مراحل این تحقیق، از هیچگونه کمک و مساعدتی به بنده دریغ نمودند کمال تشکر و قدردانی را داشته باشم. همچنین از زحمات استاد مشاوربزرگوار جناب آقای دکتر شهرام یوسفی فربسیار سپاسگزارم. از درگاه خداوند بزرگ سلامت و توفیق آنان را خواهانم.

فصل اول :

ادبیات تحقیق

۱-۱- تعریف و تحدید موضوع: (از نظر تاریخی و جغرافیایی)

حمله اعراب مسلمان به ایران و فروپاشی حکومت ساسانیان، در عرصه‌های سیاسی و نظامی و به ویژه فرهنگی، رکودی به وجود آورد که بیش از دو قرن در میان ایرانیان ادامه یافت. که علل عمده آن فقدان یک روح پویا در میان ایرانیان و هم چنین وجود نگرش‌های متعصبانه حکام و خلفای عرب نسبت به ایرانیان بود که با تأسیس حکومت سامانی، حضور مجدد ایرانیان در عرصه‌های فوق میسر گردید. سامانیان با احیای فرهنگ و تمدن ایران باستان موجب دگرگونی و تحول مبانی اندیشه اسلامی در قالب‌های نو و خلاق برآمدند و با ایجاد یک فضای مساعد و گسترده با عنایت به احکام و مبانی مکتب اسلام، در دورترین فاصله از حاکمیت خلفای عرب، به دور از اندیشه‌های متعصبانه، به تساهل و مدارا با افکار گوناگون پرداختند. بزرگترین افتخار سامانیان، دوری گزیدن از فرهنگ عرب و احیا و تقویت فرهنگ و ادب فارسی بود. در سایه همین علم دوستی و وطن پرستی امرای سامانی و وزیران ایرانی و دانشمندان این حکومت بود که خراسان بزرگ (که از ری تا کاشمر را در بر می‌گرفت) و ماوراءالنهر قلمرو متجانس فرهنگی و سیاسی گردید و بخارا پایتخت آنان، کعبه آمال و آرزوی بسیاری از شعراء، علما، اطبا و دانشمندان رشته‌ها و علوم مختلف شد.

اگرچه خلیفه عباسی در سال ۲۵۰ هجری حکومت سمرقند و در سال ۲۶۱ هجری امارت سرتاسر ماوراءالنهر را به نصر بن احمد سامانی واگذار کرد، ولی معمولاً امیراسماعیلی را بنیانگذار دولت سامانی می‌دانند. علت آن است که وی پس از مرگ برادر، بر سراسر ماوراءالنهر امارت یافت و دیگر امیران سامانی به فرمان او گردن نهادند. به ویژه آن که امیراسماعیل در دوران فرمانروایی خویش، قلمرو سامانیان را گسترش داد و خراسان و گرگان، طبرستان، سیستان و ری و قزوین را بر متصرفات پیشین خود افزود. بنابراین آغاز حکومت سامانیان از سال ۲۷۹ هجری با امارت امیراسماعیل سامانی در بخارا و دریافت منشور حکومت از معتضد خلیفه عباسی محاسبه می‌شود. این حکومت یک صد و ده سال از سال ۲۷۹ تا ۳۸۹ هجری دوام آورد. با ورود ابوالحسن ایلک خان، خاقان ترکستان به بخارا و دستگیری همه شاهزادگان و دودمان سامانی، عمر دولت سامانیان در سال ۳۸۹ به پایان رسید. محدوده جغرافیایی قلمرو سامانیان از ماوراءالنهر و سپس خراسان شروع گردید و با تصرف گرگان،

طبرستان، سیستان و ری و قزوین بر قلمرو آنان افزوده شد و با تصرف شهرهای ابهر، زنجان، قم، کرج و همدان و دینور در زمان امیرنصرین احمد، قلمرو آنان تا مرز عراق عرب گسترش یافت، که از شمال به دریای خزر و از جنوب به سواحل خلیج فارس و از غرب به مرز عراق عرب و از شرق به کاشغر محدود می‌شد.

۲-۱- بیان مسئله و اهمیت و ضرورت پژوهش:

پس از حمله اعراب مسلمان به ایران و فروپاشی حکومت ساسانیان، به دلیل فقدان سابقه اداری در میان اعراب، سازمان اداری حکومت ساسانی به خدمت حکومت امویان و پس از آن حکومت عباسیان درآمد. آنها توانستند به کمک ایرانیان و با بهره‌گیری از الگوی سازمان اداری ساسانیان، دستگاه حکومت خویش را سامان بخشند. طاهریان و پس از آن، صفاریان به عنوان حاکمان ایرانی نیمه مستقل که تحت امر عباسیان بودند، در احیای این سازمان تأثیرگذار شدند. امرای حکومت سامانیان که برخلاف امرای حکومت صفاریان، هم سو با اهداف و نظرات خلیفه عباسی بودند و تأیید و توجه ویژه خلیفه به این حکومت از مهم ترین ابزار مشروعیت آنها محسوب می‌شد، توانستند با تثبیت حاکمیت مرکزی و تقویت نظامات کشوری و دیوان سالارانه، در تجدید حیات این سازمان و در سرزمین‌های شرق خلافت در قرون سوم و چهارم هجری، نقش مهمی ایفا کنند و آن را به تکامل برسانند. به گونه‌ای که نظام اداری حکومت‌های ترک پس از سامانیان، تقلید کاملی از نظام اداری سامانیان است. بر همین اساس شناسایی جایگاه و نقش این حکومت در ساماندهی سازمان اداری سرزمین‌های ایرانی بعد از اسلام ضروری است.

۱-۳- اهداف و سؤالات پژوهش:

موضوع و اهداف پژوهش حاضر، شناسایی سازمان اداری و نظامی سامانیان و کارکردها و ویژگی‌های آنها و همچنین شناسایی مناصب اداری و نظامی این حکومت و از سوی دیگر شناسایی

منابع تأثیرپذیر سامانیان در شکل دهی سازمان اداری و نظامی حکومت، در پی پاسخ گویی به سؤالات زیراست :

آیا حکومت سامانیان از یک سازمان اداری و نظامی سامان یافته برخوردار بودند؟
سامانیان در سامان دهی تشکیلات اداری و نظامی خود از چه منابعی تأثیر پذیرفته‌اند؟

۱-۴- فرضیه‌های پژوهش:

با توجه به ماهیت و موضوع تحقیق و با در نظر گرفتن اهداف تحقیق، مطالعه و بررسی پیرامون فرضیات زیر صورت می‌گیرد:

- ۱- با توجه به گزارش‌های پراکنده منابع و روند شکل گیری و تثبیت حکومت سامانیان، به نظر می‌رسد که این حکومت از یک نظام اداری سامان یافته برخوردار بوده است.
- ۲- به نظر می‌رسد سابقه تشکیلات اداری ساسانیان، بازمانده در سرزمین‌های ایران به ویژه در شرق و تشکیلات اداری دستگاه خلافت عباسی که به نوبه خود از سازمان اداری ساسانیان الگو گرفته بود از اصلی ترین منابعی باشند که سامانیان در ساماندهی اداری و نظامی خود از آن تأثیر پذیرفته اند.

۱-۵- پیشینه ی پژوهش:

اگرچه در خصوص تاریخ سامانیان بررسی‌هایی صورت گرفته است ولی این بررسی‌ها غالباً جایگاه سیاسی این حکومت و نقش آن را مورد پژوهش قرار داده‌اند و متأسفانه در زمینه بررسی و شناخت این مقطع از تاریخ ایران تحقیق گسترده‌ای که در بردارنده وضعیت سیاسی اداری و نظامی و فرهنگی باشد، صورت نگرفته است. برخی از محققان نیز به گونه‌ای اجمالی و یا در کنار دیگر مطالعات و تحقیقات خود، به این خاندان و عصر آنها اشاراتی کرده‌اند. از جمله ادموند کیلفورد باسورث که پیرامون تاریخ ایران در قرن چهارم و پنجم هجری تحقیقات گسترده‌ای انجام داده است. او در کتاب تاریخ غزنویان نظریات ارزنده‌ای در زمینه ی جایگاه سیاسی و جریان فروپاشی دولت

سامانی داده است. بارتولد یکی دیگر از محققان برجسته ی تاریخ بعد از اسلام است. او در تألیفات ارزشمند خویش به نام های خلیفه و سلطان و ترکستان نامه، به صورت مفصل به روزگار سامانیان پرداخته است. بنابراین در این پژوهش بر اساس منابع تاریخی مرتبط با سامانیان، کوشش شده وضعیت نظام اداری و نظامی این حکومت و کارکرد آنها در برخورد با نظام اداری دستگاه خلافت عباسی مورد بررسی قرار گیرد. هم چنین در این بررسی تلاش شده تا وضعیت سازمان اداری و مالی و درگاه و دیوان آنان مورد شناخت قرار گیرد و نقش صاحب منصبان و امرای نظامی در سیاست روشن شود که در این زمینه، کتاب ارزشمند سازمان اداری خوارزمشاهیان تألیف استاد گرامی دکتر هوشنگ خسرو بیگی، رهگشای بنده بود. هم چنین اینکه چگونه غلامان ترک در عصر امرای نخستین سامانی در نتیجه غزوه های سامانیان در حدود شهرهای کافر نشین ترکستان به ماوراءالنهر راه یافتند و به خدمت وزرا و اعیان و سرداران ایشان درآمدند و عنصر ترک سرانجام اکثریت را به دست، آورده و موجبات فروپاشی حکومت سامانیان را فراهم ساختند.

۱-۶- روش پژوهش:

پژوهش حاضر بر اساس بررسی کتابخانه ای برمبنای منابع تاریخی معاصر و یا نزدیک به زمان رویداد انجام شده است. در این راستا تلاش شده است تا منابع اصلی داخلی و خارجی (عربی) مورد نقد و بررسی قرار گرفته و مورد استفاده قرار گیرد.

۱-۷- شرح مشکلات پژوهش:

کتاب و منابع متعددی در مورد حکومت سامانیان که عصر طلایی تاریخ ایران بعد از اسلام است نگاشته شده است. هر یک از این منابع از دیدگاه خویش، به این حکومت نظر انداخته اند و منابع تاریخی به طور پراکنده و از زاویه نگاه خود، به این حکومت پرداخته اند. پراکندگی منابع و اطلاعات آنان در راه پژوهش، سختی هایی را به وجود می آورند. گاهی نیز اطلاعات این منابع درباره این حکومت با یک دیگر متفاوت می باشند و گزینش سره از ناسره توجه و زمان زیادی را می طلبد. از

طرف دیگر متأسفانه در زمینه بررسی و شناخت این مقطع از تاریخ کشورمان، تحقیقات گسترده و جامعی که اختصاصاً دربرگیرنده وضعیت سیاسی، نظامی، اداری و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی باشد صورت نپذیرفته است.

هم چنین دسترسی به تمام کتب تاریخی که پیرامون این سلسله مطالبی نگاشته‌اند مشکلاتی را در پژوهش حاضر ایجاد کرد. کتابخانه‌های انگشت شماری که این منابع و مآخذ را در اختیار داشتند، محدودیت‌هایی را برای ارائه این منابع به متقاضیان در نظر می‌گرفتند. این در حالی است که بسیاری از منابع و کتبی که پیرامون حکومت‌های ایرانی قرن سوم و چهارم نگاشته شده بودند در طول زمان و به ویژه در دوره حکومت ترکان غزنوی و سلجوقی و حمله مغول به ایران از میان رفتند.

۸-۱- ارزیابی و بررسی منابع:

منابع و مآخذ متعددی در این تحقیق مورد استفاده قرار گرفته است که در این قسمت تلاش می‌شود تا به بررسی برخی از کتبی که نقش اساسی تری در این تحقیق داشته‌اند، پرداخته شود.

۸-۱-۱- کتب تاریخی عمومی:

نخستین کتابی که در این گروه می‌توان به آن اشاره کرد، **تاریخ گردیزی** تألیف ابوسعید عبدالحی گردیزی است که در سال ۴۴۲ هجری به نام عزالدوله و زین الملک عبدالرشیدبن محمود بن سبکتکین، سلطان عصر خویش به پایان رساند. این کتاب تاریخ جهان را از اولین پادشاهان داستانی ایران آغاز کرده است و بیشترین تلاش را در پیوند سیاسی بخشیدن، میان سامانیان و خلافت عباسی دارد. به دلیل وجود رخدادهای فراوان و نزدیکی به زمان وقوع این حوادث، بعدها مورد استناد بسیاری از مورخان دیگر قرار گرفته است. گردیزی با اینکه مانند منابع دیگر تاریخ عمومی اجمال نویسی را شیوه کار خود قرار داده، با این حال تنها به رخدادهای سیاسی و نظامی اشارت کرده است و به مناسبات سیاسی، میان سامانیان و دولت‌هایی چون دیلمیان و ترکان پرداخته است.

تاریخ کامل یا تاریخ بزرگ اسلام و ایران، تألیف ابوالحسن علی بن محمد بن محمد بن محمد بن

عبدالکریم شیبانی جزری (۵۵۵-۶۳۰) مشهور به عزالدین ابن اثیر از معتبرترین کتب تاریخی است که حوادث را تا سال ۶۲۸ هجری ثبت کرده است. او در جزیره ابن عمر از جزایر رود دجله به دنیا آمد و در سال ۶۳۰ هجری از دنیا رفت.

وی کتاب سیزده جلدی خود را به بدرالدین لولو حکمران موصل تقدیم کرد. کتاب او یکی از مستندترین و دقیقترین متون تاریخی به شمار می‌آید.

این کتاب به حوادث قرون چهارم تا آغاز قرن هفتم هجری به تفصیل هرچه تمام تر پرداخته است. درباره روزگار سامانیان نیز به عنوان مفصل ترین تاریخ تلقی می‌شود و همین عامل سبب شده است تا بسیاری از مورخان قرون بعدی، هم چون ابن خلدون و میرخواند، در تواریخ خویش به تاریخ ابن اثیر بیشترین مراجعه را بکنند. به گونه‌ای که در ذکر رویدادهای سامانیان، نقل قول از ابن اثیر کرده اند.

نگرش ابن اثیر نقادانه و بی طرفانه است. به طوری که از میان رخدادهای مختلف عصر سامانیان، او آن چیزی را که مبتنی بر واقعیت است نگاشته است. کمتر حادثه‌ای از دوره سامانیان است که در این کتاب نیامده باشد. تألیف دیگر او، **اللباب فی تهذیب الانساب** درباره خاندان سیمجوریان، اطلاعات بسیار مهمی در اختیار ما قرار می‌دهد. که چندین بار به زبان عربی چاپ شده است.

تجارب الامم و تعاقب الهمم تألیف ابوعلی احمد بن محمد رازی، مورخ و پزشک معروف

است (۳۲۰-۴۲۱ هجری). وی سالیان زیادی در دستگاه آل بویه خدمت کرد و سرانجام در شیراز به عضدالدوله پیوست و خازن کتابخانه و بیت المال وی شد و تا مرگ او بر همین شغل بود. پس از آن به صمصام الدوله جانشین عضدالدوله نزدیک شد و پس از او در خدمت بزرگان دیگر دربار وی بود. سرانجام در اصفهان درگذشت.

تجارب الامم به زبان عربی نگاشته شد و حوادث را به ویژه در قرن چهارم هجری به تفصیل بیان کرده است.

اطلاعات او دربارهٔ سامانیان منحصر به فرد است. پیرامون برخی حوادث در مناسبات میان سامانیان و دیلمیان حائز اهمیت است. در تبیین مناسبات سامانیان با غرب و به ویژه با خلافت عباسی و منازعات با دولت آل بویه و یا مکاتبات میان امیران و وزیران سامانی و آل بویه، مفصل‌ترین و اساسی‌ترین منبع تاریخی است.

ابن مسکویه به دلیل قرار داشتن در زیر حمایت امرای بویه، نسبت به برخی از رویدادها، جانبدارانه پرداخته است. به ویژه در پیکارهای سامانیان و آل بویه، باید به آن با دیدی نقادانه نگریست.

اطلاعات این کتاب پیرامون روزگار امارت عبدالملک اول، منصور اول و سال‌های آغازین حکومت نوح سوم سامانی قابل توجه است. هم چنین با ذکر تحولات سیاسی- نظامی و درری و در همین روزگاران، تصویر روشنی از این ناحیهٔ حادثه خیز به دست می‌دهد.

او در نگارش حوادث تا سال ۳۴۰ هجری از منابع قدیم استفاده کرده است. حوادث پس از سال ۳۴۰ هجری، مشاهدات خود او یا مطالبی است که از افرادی چون ابن عمید و مهلبی نقل می‌کند، که تا حوادث سال ۳۶۹ هجری را دربرمی‌گیرد.

ارزش و اهمیت این کتاب باعث شده تا ذیل‌های چندی برآن نگاشته شود و به زبان‌های مختلف ترجمه شود.

تاریخ طبری تألیف ابوجعفر جریر بن یزید بن خالد بن الطبری آملی است. او یکی از مورخان مشهور ایرانی نژاد است که در سال ۲۲۴ هجری در آمل به دنیا آمد و در سال ۳۱۰ هجری از دنیا رفت.

تفسیری که او در ۳۰ مجلد بر قرآن نوشت، نه فقط قدیمی‌ترین تفسیرها است، بلکه بزرگ‌ترین مجموعهٔ روایات تفسیری هم به شمار می‌آید. مهم‌ترین اثر او در تاریخ عمومی است به نام تاریخ الرسل و الملوک که شرح حال سلاطین و پیامبران است. که حوادث تاریخی از آغاز آفرینش تا سال ۳۰۲ هجری را در آن آورده است.

ذیل‌های بسیاری بر تاریخ طبری نوشته‌اند. از جمله ذیل عریب قرطبی است که وقایع را تا سال ۳۲۰ هجری دربردارد. شخص دیگری به نام ثابت بن سنان در دنباله ذیل عریب قرطبی، حوادث را تا سال ۳۶۰ هجری نوشته است. بعد از وی شخص دیگری به نام هلال بن محسن صابی در دنباله ذیل ثابت، حوادث را تا سال ۴۴۸ هجری قمری نوشته است. بعد از او پسرش محمد هلال، کار پدر را دنبال کرد و حوادث را تا سال ۴۷۹ هجری در کتابی تحت عنوان عیون التواریخ نوشته است. بعد از وی شخصی به نام محمد بن عبدالمک همدانی، حوادث را تا سال ۴۸۷ هجری در کتابی جمع آوری کرد. که هر سه ذیل به همراه تاریخ طبری به چاپ رسیده است.

در حقیقت تاریخ طبری نخستین تاریخ کاملی است که به زبان عربی نوشته شده است.

پنجاه سال پس از درگذشت طبری در عصر سامانیان به دستور منصور بن نوح سامانی، کتاب تاریخ طبری، زیر نظر ابوعلی بلعمی وزیر با حذف روایات مکرر و حذف سلسله اسناد و بعضی تصرفات به صورت یک کتاب پنج جلدی به فارسی ترجمه شد، و نام تاریخ طبری بر آن گذاشته شد. که به نام تاریخ بلعمی نیز خوانده می‌شود، که از لحاظ ادبی و تاریخی ارزش زیادی دارد.

اصل این کتاب حوادث را تا سال ۳۵۵ هجری یعنی تا اواسط خلافت المطیع لله در برگرفته، ولی نسخه فعلی کتاب، حوادث شش خلیفه بعدی تا المسترشد بالله را نیز در خود دارد.

اگرچه طبری در قسمتی که جنبه تاریخی عمومی دارد از بسیاری از منابع اصیل استفاده کرده است، و روایات مختلفی را که درباره رویدادها وجود داشته است ذکر کرده، اما برای آنها مزیت و برتری قائل نشده است. به همین جهت رویدادهای تاریخی در اثر او، ارتباط زیادی با یکدیگر ندارند. در تاریخ طبری اثری از انتقاد مشاهده نمی‌شود و هراندازه که به زمان حیات مؤلف نزدیک تر می‌شود، مختصرتر می‌شود تا جایی که حوادث زمان حیات مورخ به نهایت اختصار می‌رسد علت این امر را بروکلیمان، ناشی از پیری و کهولت طبری دانسته است.

ابوالحسن علی بن حسین مسعودی از فرزندان عبدالله بن مسعود، یکی از صحابه معروف است. تاریخ تولد او به درستی معلوم نیست. گویا در اوایل قرن سوم هجری در بغداد به دنیا آمده است.

او یکی از بزرگترین مورخان و ادبای اسلامی است که عشق زیادی به جمع آوری کتب و مسافرت داشته است. در سال ۳۰۳ هجری به ایران سفر کرد. از آنجا به هندوستان و به جزیره سیلان به حدود دریای مازندران آمد. سپس عازم شام و فلسطینی شد. در اواخر عمر در مصر اقامت کرد و در سال ۳۴۶ هجری در فسطاط مصر درگذشت.

او ده سال آخر عمر خود در شام و مصر سپری کرد و مواد کتاب ضخیم خود را که بالغ بر سی مجلد بوده و مختصر آن **مروج الذهب و معادن الجواهر** است فراهم آورد.

مروج الذهب که حوادث آن تا سال ۳۳۶ هجری می‌رسد، یک فرهنگ نامه تاریخی و جغرافیایی است که در آن از رسم مورخان مسلمان تجاوز کرده و از موضوعات تاریخی و دینی اقوام دیگر مانند ایرانیان و رومیان و یهودیان سخن به میان آورده است.

می‌توان او را یکی از مورخان معدود اسلامی قرون وسطی دانست که به سُنن تاریخی پیروان ادیان دیگر، از جمله پیروان دین مسیحی و یهودی و هندی توجه زیادی داشته است.

روش او در این کتاب، استفاده از هر دو روش موضوعی و سال شماری است.

مسعودی قبل از آن که به سال ۳۴۵ هجری درگذرد، اصول نظریات خویش را درباره تاریخ و طبیعت و افکار رایج فیلسوفان در خصوص معادن و گیاهان و جانداران در کتاب دیگر خویش به نام **التنبیه و الاشراف**، تألیف کرد. که مشتمل بر قسمتی از تاریخ ایران قبل از اسلام و تاریخ یونان و مقدونیه و روم و تاریخ بعد از اسلام تا سال ۳۴۵ هجری است.

این کتاب به زبان عربی است. که روش او در این کتاب، مانند روش وی در مروج الذهب است.

این دو کتاب درباره حکومت سامانیان و روابط آنان با خلفای عباسی و امرای آل بویه، حاوی مطالب ارزشمندی است.

مروج الذهب بعد از تاریخ طبری، یکی از مهم ترین منابع تاریخ ایران است.

تاریخ گزیده که خلاصه‌ای از تاریخ عمومی عالم است. از آغاز آفرینش تا دوران وزارت خواجه غیاث الدین محمد رشیدی که حمداله بن تاج الدین ابن بکرین احمد بن نصر مستوفی از مردم قزوین آن را در سال ۷۳۰ هجری به نام این وزیر تألیف کرده است.

این کتاب در حقیقت منتخبی است از **جامع التواریخ** خواجه رشیدالدین فضل الله که مشتمل است، بر یک مقدمه و شش باب. حمداله مستوفی دو فصل، یکی در تاریخ علما و فضلا و شعرای عرب و عجم و دیگری در تاریخ و جغرافیا و بزرگان شهر قزوین بر آن افزوده است. این دو فصل مهمترین فصول کتاب است.

او در تألیف کتاب منابع زیادی را ذکر کرده است، که از آنان بهره برده است. در بعضی از نسخه‌های تاریخ گزیده ذیل‌هایی دیده می‌شود. از جمله ذیلی است که خود حمدالله مستوفی نوشته است و شرح حوادث را تا سال ۷۴۵ هجری رسانیده است.

حمداله مستوفی در دستگاه خواجه رشیدالدین فضل الله، دانشمند و تاریخ نویس مشهور و وزیر غازان خان و الجاتیو مشغول به کار بوده است. سپس در خدمت غیاث الدین محمد، پسر رشیدالدین و وزیر ابوسعید بهادرخان مشغول بوده است.

در این کتاب در خصوص حکومت‌های گذشته هم چون سامانیان و آل بویه، مطالب سودمندی آورده شده است.

طبقات ناصری (تاریخ ایران و اسلام) تألیف ابوعلی عمر عثمان منهای سراج جوزجانی از

مورخان قرن هفتم هجری، از دیگر منابع مهم تاریخی به ویژه دولت سامانی است. او در سال ۵۸۹ هجری متولد شد. نیاکان وی در سیستان و بلادغور صاحب مقامات و مشاغل بوده اند.

کتاب طبقات ناصری به زبان فارسی است. مؤلف در این کتاب با نثری روان و شیوا به بیان تواریخ سلسله‌های هند و مغول پرداخته است. لیکن پیش از آن نگاهی نسبتاً اجمالی بر تاریخ اسلام و ایران انداخته و به برخی سلسله‌ها از جمله سامانیان پرداخته است.

این کتاب به نام ناصرالدین محمودشاه تألیف شد. به همین جهت کتاب مزبور را طبقات ناصری نامید.

این کتاب در سال‌های ۶۵۸ یا ۶۵۷ هجری تألیف شده است و مشتمل است بر تاریخ عمومی عالم در بیست و سه قسمت. جوزجانی با فرمانروایان مغولی سخت مخالف بود. او به کرات در تألیف خود آنها را لعن و نفرین کرده است.

به نظر می‌رسد، مؤلف در این کتاب قسمت اعظم مطالبش را از تاریخ گردیزی گرفته باشد. چنانکه لغزش‌هایی را که گردیزی بیان کرده، او نیز تکرار کرده است. از سوی دیگر با وجود ستایش از ترکان غزنوی و تشابه بعضی از مطالب با تألیف عتبی، احتمال استفاده جوزجانی از تاریخ یمینی نیز می‌رود. مؤلف این کتاب، نسبت به باطنیان موضع گیری مغرضانه داشته است. برای خدشه دار کردن وزیران و سرداران به آنها اتهام قرمطی گری زده است. در بعضی از موارد طریق عمد را در پیش گرفته، همان گونه که شعر بوی جوی مولیان را به معزی نسبت داده است.

اما با وجود لغزش‌ها و اشتباهات زمانی، این تألیف دارای ارزش‌های منحصر به فرد است. در هند و ایران چاپ‌های متعددی از آن شده است.

عبدالحی حبیبی نیز، به تصحیح و مقابله این کتاب پرداخته است. در تهران توسط نشر دنیای کتاب در سال ۱۳۶۳ هجری به چاپ رسیده است.

اخبار الطوال که در زمره تواریخ عمومی محسوب می‌شود، توسط ابوحنیفه احمدبن داود دنیوری، عالم ایرانی عرب نویس که در قرن سوم هجری به دنیا آمد، تألیف شده است. دنیوری در کرمانشاه متولد شد. تاریخ درگذشت او را سال ۲۸۱ تا ۲۹۰ هجری نوشته اند.

این کتاب مشتمل بر شرح رویدادهای تاریخی از آدم تا آخر سلطنت یزدگرد سوم است. ضمناً از سلاطین روم و ترک و شرح حال خلفاء، تا آخر دوران خلافت المعتصم بالله سخن گفته شده است. مؤلف مطالب را بدون پیوستگی به یکدیگر ذکر نکرده است، و مطالبی را انتخاب کرده که مورد توجهش بوده است و نیز از تکرار روایات حتی الامکان خودداری کرده است. دنیوری کمتر استناد به